

شهید علی فواجه فرزند علی اکبر

تاریخ تولد: 1348/1/9

محل تولد: روستای آسیابان

تاریخ شهادت: 1367/3/5

محل شهادت: ماووت

معرفی شهید:

شهید علی فواجه فرزند علی اکبر در تاریخ 1348/1/9 در روستای آسیابان پا به عرصه وجود گذاشت و در تاریخ 1367/3/5 پس از 15 روز مجروحیت شدید که در اثر اصابت گلوله فمپاره در جبهه ماووت منطقه عملیاتی غرب جسم پاکش را آورده بود به درجه رفیع شهادت نائل آمد. پیکر مطهرش به همراه همرزم و همسنگر شهیدش غلامرضا قالیباف با شکوه خاص تشییع و در گلزار شهدای آسیابان بفاک سپرده شد. رومش شاد.

شرح کوتاه از زندگی شهید:

شهید علی فواجه فرزند علی اکبر در بهار سال 1348 در خانواده ای متدین و زحمتکش در روستای آسیابان متولد شد. وی دوران کودکی را در خانواده ای باوقار، مقید به ارزش های اسلامی تربیت شد و تا پایه پنجم ابتدایی تحصیل نمود. ولی با توجه به موقعیت زمانی و مسئولیتی که نسبت به خانواده در خود احساس می کرد به مرفه قالیبافی و کشاورزی مبادرت جست تا از این راه به پدر و مادر سفت کوش و پرتلاش خود کمک نماید. وی اخلاقیات ویژه ای از همان دوران کودکی داشت که مرامل بعدی رشد و کمال او را بفوی فراهم نمود. بسیار باادب و متین بود، نگاهش همیشه به زمین دوخته بود و هنگام صحبت کردن به چهره کسی فیره نمی شد. آنقدر مظلومانه و متواضعانه صحبت می کرد که همه مجذوب او می شدند. به پدر و مادر و بزرگترها فیلی امترا می گذاشت. به مجالس اهل بیت علیهم السلام و مضور بموقع در نماز جماعت و برنامه های مذهبی عشق می ورزید. بسیار تلاوت قرآن می کرد. از مجاهدت در راه خدا در هیچ شکلش دریغ نمی نمود و از شنیدن مرف های بیهوده و مرکات ناموزون بسیار نارامت می شد. دوران نوجوانی او مصادف با دوران انقلاب اسلامی شد و او از همان

زمان عاشق امام و انقلاب بود و نامش را در لیست سربازان امام ثبت نموده و مدافع ارزش های الهی شد به گونه ای که در مقابل پاسگاه و نیروهای رژیم می ایستاد و بر علیه شاه شعار می داد و در پخش اعلامیه ها و مضمون در راهپیمایی بسیار فعال بود. با پیروزی انقلاب به عضویت بسیج درآمد و اولین مرحله اعزام به جبهه را در سن شانزده سالگی تجربه کرد. وی سه مرحله قبل از سربازی به جبهه اعزام شد و از آنجا که رومیه شهادت طلبی داشت و این عطش روز بروز در او افزونتر می شد مدام بر مضمون در جبهه اصرار ورزید تا اینکه هر آن به خدا نزدیکتر می شد و شوق شهادت وجودش را ملامال از رضایتمندی می کرد تا اینکه به آرزویش نائل آمد و جامه سرف شهادت برتن پوشید و به لقاء معبودش واصل گردید. رومش شاد.

در مسیر مبارزات:

شهید علی فواجه از همان کودکی رومیه حق طلبی داشت و در مقابل مظاهر فساد و انحراف حساس بود. به ممض اینکه نسیم انقلاب اسلامی وزیدن گرفت نسبت به اهداف دشمنان اسلامی که روز بروز پنهان و آشکار تلاش می کردند ارزش های الهی را در مملکت امام (عج) کمرنگ تر نمایند واقف تر می شد و در خود احساس مسئولیت بیشتری را مشاهده می کرد. لذا در دوران انقلاب در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه های ضد رژیم شاه فعالانه شرکت داشت و پس از پیروزی انقلاب در پایگاه بسیج روستا عضو گردید و فعالیت چشمگیر داشت تا اینکه چندین مرحله به جبهه اعزام شد و برای دفاع از اسلام و انقلاب جان پاکش را تقدیم نمود و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

نیم نگاهی به خاطرات نزدیکان و دوستان شهید:

پدر و مادر شهید می گویند: علی در مواجهه با رفتار یا گفتار غیرمنطقی بسیار حساس بود و از خود عکس العمل نشان می داد و سعی می کرد در اصلاح امور نقش فیرفواهانه خود را ایفاء نماید. او با دوستانی همچون جلال فطرتی و غلامرضا قالیباف صمیمیت داشت که آنها نیز به شهادت رسیدند. او همیشه آرزو داشت عضو سپاه شود و در دفاع از اسلام بجنگد و خدا شود. یک روز می فواستیم او را بیازمائیم، گفتیم علی جان نظر تو در رابطه با جنگ و جبهه چیست؟ صریحاً گفت: اگر در این جنگ همه ما کشته شویم و اسلام برقرار بماند بهای سنگینی نپردافته ایم چون ما هر چه داریم از برکت دین مبین اسلام است. آری علی با این دیدگاه روانه جبهه شد و به شهادت نائل آمد.

برادر شهید می گوید: شهید همیشه ما را به اطلاعات از پدر و مادر سفارش می کرد و بر توجه به درس و ادامه تحصیل بسیار تأکید داشت و نسبت به ملال و مرام در زندگی خیلی مقید بود. یادم هست (روزی با هم به مکتب رفته بودیم. من خودکار خود را گم کردم و یک خودکار از بچه های دیگر برداشتم وقتی متوجه شد بشدت با من برفورد کرد و گفت این کار تو یک فعل مرام است و فوراً خودکار را به صامبش برگرداند.

دوست و هم‌رزم شهید می گوید: شهید علی فواجه فردی بسیار صبور و شجاع و متوکل به خدا بود. در عین حال که فردی تن‌رس و شجاع بود مظلومیت و تواضع او کاملاً ملموس و زبانزد همگان بود به راز و نیاز با خدا خیلی اهمیت می داد. او در مالی که بشدت مجروح شده بود از چنان (رومیة بالایی برفوردار بود که به ما نیز دل‌داری می داد. گاهی می گفت دوست دارم ازدواج کنم بعد به شهادت برسم ولی آرزوی شهادتش بر ازدواجش سبقت گرفت و بستر مجرومیت مجله دامادیش شد و صبر و بردباریش را تجربه کرد و پس از 15 روز تحمل مجرومیت (رومش پر کشید و در زمره شاهدان همیشه جاوید تاریخ قرار گرفت. (رومش شاد و یادش گرامی

مختصری از وصیتنامه و آخرین دست نوشته شهید:

شهید وصیتنامه یا دست نوشته ای از خود باقی نگذاشت ولی عباراتی را شفاهاً بر والدینش عرضه داشته و فواسته هایش را اینگونه مطرح نموده است.

پدر و مادرم شما از مضور من در جبهه نارامت نباشید و خدا را شکر کنید که فرزند شما در صف مجاهدان اسلام در مواجهه با کفر قرار گرفته، این جنگ توطئه استکبار جهانی بر علیه اسلام ناب محمدی (ص) است و شهادت در راه خدا فیض عظیمی است که خداوند به مجاهدان حقیقی عطا می نماید و من آرزویم شهادت است.

نحوه شهادت:

شهید علی فواجه در منطقه ماووت به همراه دو هم‌رزم دیگرش به نام های غلامرضا قالیباف و ممدمسین تهمکار در سنگر پدافندی مورد اصابت گلوله فمپاره دشمن بعثی قرار گرفته و دو هم‌رزم وی در منطقه به شهادت رسیده و پیکر مجروح او نیز به بیمارستان تبریز انتقال یافته و بر اثر جراحت

شدید از نامیه شکم پس از 15 روز صبر و تحمل مجروحیت در تاریخ 1367/3/5 به درجه رفیع شهادت نائل آمد و به آرزوی دیرینه اش واصل گردید. روح پاکش شاد.

پیام برگرفته از بیانات خانواده شهید:

گرچه از دست دادن فرزندان بسیار سفت بود ولی از اینکه او را در راه خدا از دست داده ایم افتخار می کنیم و از امت همیشه در صحنه می خواهیم که راه و مراجع شهیدان را فراموش نکنند تا نعمت استقلال و آزادی که در سایه نظام مقدس جمهوری اسلامی به مرمت خون شهیدان به ما ارزانی شده باقی بماند. انشاء...